



جمال شورهج (فیلمساز)

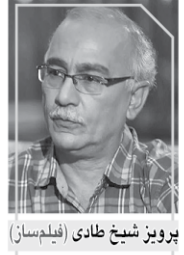
ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

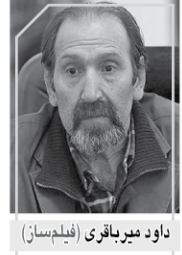
رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)



شهیار جمرانی (فیلمساز)



پروین شیخ ظادی (فیلمساز)



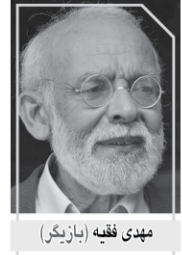
نادر میرباقری (فیلمساز)



مرتضی شعبانی (سنندساز)



پروانه معصومی (بازیگر)



مهدی فقیه (بازیگر)



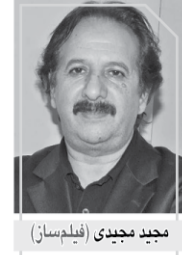
ایرامید حاتم‌کیا (فیلمساز)



فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)



هادی محمدیان (ویولان)



مجید مجیدی (فیلمساز)



شهید اویسی (فیلمساز)



جواد ارتقانی (فیلمساز)



**نگاهی به انیمیشن سینمایی «پینوکیو گیلر مو دل تورو»**
**وقتی پینوکیو لپیرال می‌شود!**

دنیای انیمیشن سال‌هاست که وارد فازهای متنوعی شده است. این دنیای دست‌ساز، دیگر ابداً تنها متعلق به کودکان نیست و انیمیشن‌های بزرگ‌سالانه زیادی تا به‌حال ساخته شده‌اند که مضامین مختلفی را دستمایه داستان‌های خود کرده‌اند.

بعضی از این انیمیشن‌ها هم سعی کرده‌اند، نسخه‌های قدیمی انیمیشن‌های کلاسیک را دوباره بازسازی کنند و به سازنده، با توجه به نظرات و تفکرات خودش و سرمایه‌گذاران پروژه‌ها، داستان نسخه بازسازی شده را پیش می‌برد.

انیمیشن «پینوکیو گیلرمو دل تورو» ساخته «گیلرمو دل تورو»، کارگردان مکزیکی، محصول سال ۲۰۲۲ شبکه نتفلیکس است.

داستان پینوکیو دل تورو، با نسخه کلاسیک نویسنده ایتالیایی‌اش، «کارلو لودوی» تفاوت‌های بسیاری دارد.

داستان این نسخه، از جایی شروع می‌شود که «پدر ژپتو» پسری به نام «کارلو» داشت و بسیار به او وابسته بود ولی او را در جنگ جهانی اول، از دست می‌دهد. پس از مرگ کارلو، ژپتو که بسیار افسرده و غمگین بود، دیگر حاضر به کار برای کلیسا نشد و یک شب که سیاه مست می‌کند، با تبر به جان درخت کاجی که پسرش کاشته بود می‌افتد و تصمیم می‌گیرد با ساخت پسری چوبی، کارلو را دوباره از دنیای مرگ برگرداند… پس از ساخت عروسکی بی‌قراره از چوب، شیطانی با عنوان «روح چوب» به این عروسک چوبی، جان می‌دهد و آرزوی ژپتو برآورده می‌شود!

در واقع دل تورو کاملاً با جهت‌گیری و تفکرات خودش، این داستان را بازسازی کرده است و از همان ابتدای کار، محتوای اخلاقی ماجرا را دستکاری کرده و این قسمت‌های مهم را از داستان بیرون کشیده است. از طرف دیگر داستان این انیمیشن در دل جنگ جهانی اول اتفاق می‌افتد و همین هم پینوکیو را وارد دنیای جنگ بزرگ‌سالان می‌کند. در این داستان، پینوکیو چندین بار کشته و دوباره زنده می‌شود و در نهایت، شیاطین به او زندگی ابدی می‌بخشند…

**شیاطین جان می‌بخشند!**

در پینوکیوی دل تورو، چیزی به عنوان قدرت خدا و نماینده خدا که پیامبران هستند، وجود ندارد و بر خلاف نسخه اصلی، همه چیز با کمک شیاطین جلو می‌رود…

در دنیای پینوکیوی جدید، خاندان و نماینده‌اش که حضرت مسیح به صلیب کشیده شده است، هیچ قدرتی ندارند و در عوض، شیاطین و اله‌های مخوف هستند که جان می‌دهند و جان می‌گیرند… واقعیت این است که داستان پینوکیوی اصلی، با توجه به تفکرات مذهبی نویسنده اصلی‌اش که سال‌ها در مدرسه علوم دینی درس خوانده بود، برگرفته از داستان‌های پیامبران است و مخصوصاً قسمت زندانی شدن پدرژپتو در دل نهنگ، کاملاً با الهام از داستان زندگی حضرت یونس(ع) جلو می‌رود و نجات هم با پیدایش عشق و امید و دوباره بهم‌ برسیدن پینوکیو و پدر ژپتو اتفاق می‌افتد ولی در نسخه جدید، درون ماهه اصلی که داستان را جلو می‌برد و باعث نجات می‌شود پلیدی و بدی است!

در نهایت هم دل تورو در انتهای داستان، باارجویی سرسری به فیلم مشهور سابقش «هزار توی پن» و اضافه کردن جاشینی فکارتاری برای به دست آوردن زندگی ابدی، توسط شیاطین به پینوکیو زندگی ابدی می‌بخشد… البته این زندگی ابدی منهای انسانیت به او عطا می‌شود که مهم‌ترین قسمت داستان پینوکیو اصلی بود!



در گذشته و به‌خصوص در داستان‌های کلاسیک نویسندگان مذهبی اروپایی، «انسان بودن» یک ارزش والا به حساب می‌آمد و به نوعی اشراف مخلوقات بودن را تداعی می‌کرد.

این مسئله انسان بودن، به قدری مهم بود که قابل مقایسه با هیچ یک از مخلوقات خدا نبود و بسیار دست نیافتنی به تصویر کشیده می‌شد. برای مثال در داستان «بری دریایی کوچک» اثر «هانس کریستین آندرسون» از همان ابتدای داستان، پری دریایی وقتی می‌فهمد که او و هم نژادشان نهایتاً بعد از ۳۰۰ سال به تک دریا تبدیل می‌شوند و بقیه موجودات هم همین روند را طی می‌کنند و دنیای دیگری در انتظارشان نیست، نسبت به انسان‌ها احساس احترام کرد چراکه طبق گفته مادر بزرگ‌ترش، انسان شاید در این دنیا عمر کوتاهی داشته باشد ولی در نهایت اگر نیکو رفتار باشد به بهشت می‌رود و در آنجا، جودانه زندگی می‌کند و اصلاً همین مسئله هم در نهایت باعث می‌شود که فکر انسان شدن و زندگی جودانه در ذهن پری کوچک بیفتند و دیدن شاهزاده، تنها جرقه‌ای بر دریای این اشتیاق بریزنه بود…

در داستان پینوکیو هم وضعیت به همین منوال بود و پینوکیو، بعد از تحمل مصایب بسیار، سرانجام شایسته آن شد که بچه‌های مثل بچه‌های دیگر بشود و به یک پسر بچه واقعی تبدیل شود تا برای پدرش کار کند و هروقت که فرشته نیاز داشته باشد، به او کمک او کند و در انتهای داستان هم یک روز وقتی که جسد چوبی خود را می‌بیند با بند و پیوندهای از هم درآمده که روی زمین ولو شده است، می‌گوید:

«وقتی آدمک بودم چه متحک بودم!»

جالب است که در نسخه اقتباسی جدید، پینوکیو نه تنها در نهایت به انسان تبدیل نمی‌شود، که طبق نتیجه‌گیری داستان، انسان بودن اصلاً مزیت خاصی نیست که شخصیتی مانند پینوکیو آرزو داشته باشد به آن برسد!

**سیاست‌های جدید و داستان‌های جدید**

داستان پینوکیوی دل تورو، با شخصیت پینوکیویی ساده‌لوح و احمق که در عین حال تفکرات لیبرالی دارد، پیش می‌رود.

در این نسخه جدید بر خلاف نسخه قدیمی، هر بار که پینوکیو به دفلکاران روی می‌آورد، نه به علت نر پروری و تنبلی که برعکس، به دلایل کاملاً منطقی این کار را می‌کند! پینوکیوی جدید ترجیح می‌دهد به جای رفتن به مدرسه‌ای که در آن کمونیست‌ها مشغول مغزشویی بچه‌ها هستند، با دوستان فریبکارش به منظور به دست آوردن استقلال مالی، سر کار برود!

از طرف دیگر خیانت سازنده زمامی به اوج خود می‌رسد که در نسخه جدید، برخلاف نسخه قدیمی که پینوکیو می‌فهمد دروغ کار رزنی است و با کنار گذاشتن فریبکاری، انسان می‌شود و نجات پیدا می‌کند، بر عکس با دروغ گوئی و بزرگ شدن هر چه بیشتر بینی چوبی‌اش، از دل موجود دریایی وحشتناک، نجات پیدا می‌کند و بقیه همراهانش را هم با همین دروغ گوئی نجات می‌دهد!!! نگاه به دنیا، شغل، روابط انسانی و… در نسخه جدید دل تورو، کاملاً مادی است و سبک زندگی لیبرال را تبلیغ می‌کند و در نهایت هم وقتی این پینوکیوی لیبرال، ازلی می‌شود و با همان سبک زندگی جدیدش عمر جودانه‌ها پیدا می‌کند، بدون نیاز به انسان شدن، پیام نهایی سازنده‌اش را به مخاطبانش می‌دهد…

این اولین همکاری بین دل تورو و نتفلیکس نیست، پیش از این، دل تورو در سریال «فقهسه عجایب گیلرمو دل تورو»، گوئی نشان داد که توفقات زیادی برای برنامه‌سازی بین نتفلیکس و خودش ترتیب داده است و قرار است با اسم دل تورو، این همکاری منوط‌پور ادامه پیدا کند و مضامین تاریک و غیر انسانی، در دنیایی با فرمانروایی شیاطین همچنان ساخته و توسط نتفلیکس، در سطح دنیا پخش شود!



برای فرار از آمارهای شرم‌آور جامعه باز و سکولار غرب

منتشر گردید که موجی دیگر از حیرت را در محافل سیاسی و اجتماعی دنیا برانگیخت و «بی‌بی‌سی» نیز از قول یک زن مجلس فرانسه به نام «مارین توندلیه» که به عنوان دستیار در مجلس ملی فرانسه کار می‌کرد، از وجود «فهرست سیاه» نمایندگان رسوایی‌های پایان‌ناپذیری از تعرض و تجاوز به زنان در محیط‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی هنری و ورزشی و… یعنی در جوامع به اصطلاح مدرن اروپایی و آمریکایی و به‌ویژه در سطوح بالای علمی و سیاسی و فرهنگی آنها در سطح وسیعی انتشار یافت.

مثلاً براساس آماری که در سال ۲۰۱۵ از سوی برخی موسسات معتبر اجتماعی و فرهنگی اروپا مانند FRA (اناس حقوق بنیادین)، انتشار

یافت،حدود نیمی از زنان این قاره مورد تعرض جنسی قرار گرفته‌اند. رسانه سلطنتی بریتانیا یعنی «بی‌بی‌سی» براساس این آمار و گزارش، گفت که «دیگر اروپا بهشت زنان نیست» و این قاره برای زنان سال تعطیل شود!

سپس اعضای سازمان ملل محور آن قرار گرفتند و رئیس‌ان گوتراش از فاجعه تعرضات جنسی در سازمان ملل، ابراز شگفتی نمود.بعد به حیطة ورزش کشیده شد و مری بی‌ندساز تیم ملی ژیمناستیک آمریکا به خاطر تعرض به ۱۷۵ ورزشکار زن به ۱۵۰ سال زندان محکوم شد و حتی تازه‌ترین گزارش که همین هفته پیش از مراکز و موسسات اجتماعی هلند بیرون آمد نشان می‌داد ۷۵ درصد زنان این کشور در سال گذشته قربانی تعرضات جنسی بودند.

در حالی که چنین آمارهای وحشتناکی علیه حقوق زنان در کشورهای به اصطلاح مدرن و پیشرفته خصوصاً جوامع ظاهراً باز اسکاندیناوی وجود دارد و حتی یک صدمه آنها در دیگر سرزمین‌ها به‌ویژه کشورهای اسلامی گزارش نشده، موسسات غربی به شدت در پی آمارسازی‌های جعلی و گزارش‌ها ساختگی از عدم رعایت حقوق زنان و کاربرد خشونت علیه آنها در کشورهای اسلامی برآمده ولی به دلیل دست نیافتن به آنچه می‌خواستند، اقدام به تولید چنین فیلم‌هایی نموده بلکه بخشی از کمبودهای واقعی خود را جبران نمایند.

اما چنین فیلمی وقتی با سفارش ساخته شد و اثری ناقص و ضعیف و الکن و غیر سینمایی از کار درآمد، با همان ضرب و زور و تنها با یک نامزدی اسکار، به جمع بهترین فیلم‌های سال ۲۰۲۲ قالب می‌شود تا یکی از افتخارات نادر تاریخ مراسم اسکار رقم بخورد که اگر اقتضا نماید، مدعیان حقوق بشر و هنر و سینما و… همه قواعد خود ساخته را هم به خاطر خواست و امر اربابان نظام سلطه زیر پا له و لورده کرده و مقصود خود را با زرق و برق به خود شیفتگانشان می‌دهند. قواعدی که اگر در این سوی دنیا اندکی خدشه بردارد، آسمان را به زمین می‌دوزند!!

## به بهانه پخش فصل دوم «سینما هویت» از شبکه امید افشاگر درباره هالیوود برای نوجوانان

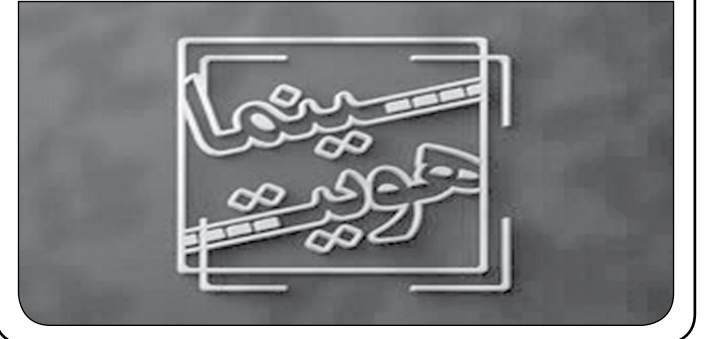
مهدی امیدی

هویت، از جمله کلیدواژه‌های گم شده در ادبیات نوجوانانه این روزهاست، هویتی که برای مخاطب نوجوان توسط رسانه تصویر می‌شود از مهم‌ترین کلیدهای تمدن‌سازی است که از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. سینمای جهان و هالیوود تلاش‌های زیادی برای خلق جهان هویتی و شکل‌گیری ارزش‌ها یا ضدارزش‌ها کرده است که تعداد زیادی از مخاطبین این جهان‌های هویتی نوجوان هستند.

با توجه به اهمیت نقش رسانه در ترویج ارزش‌ها و هویت‌سازی، برنامه «سینما هویت» در نظر دارد به مسئله هویت‌سازی و جهان هویتی که توسط رسانه‌های غربی شکل گرفته بپردازد.

فصل دوم سینما هویت، با انتخاب بهترین مجموعه فیلم‌ها و بسته‌های سینمایی جهان همچون «هری پاتر»، «مارول»، «آرباب حلقه‌ها»… در تلاش است به بررسی ابعاد مختلف هویت‌ساز این بسته‌ها بپردازد و نقاط مثبت و منفی آن را برای مخاطب نوجوان زیر ذره‌بین قرار دهد و به این سؤوال پاسخ دهد که این مجموعه‌ها چطور توانسته‌اند جذب مخاطب کرده و این جذب مخاطب چه ارزش‌های مثبت و منفی را ترویج کرده است و چه تأثیری بر روی مخاطب نوجوان داشته است. همچون برملاسازی پشت پرده و محتوای فکری و ایدئولوژیک این آثار با حضور کارشناسان و منتقدان سینمایی برای مخاطب نوجوان هم در جهت جهاد تبیین در دستور کار سری دوم «سینما هویت» است. سینما هویت در تلاش است با نگاه هویتی به این فیلم‌ها و مجموعه‌ها بنگرد و جهانی که آنها برای مخاطب علی‌الخصوص مخاطب نوجوان کرده است را بررسی کند.

در جشنواره فجر امسال نیز سینما هویت با ۱۰ قسمت ویژه برنامه به بررسی ابعاد هویت‌ساز سینمای ایران مثل قهرمان‌سازی، زبانمیزی نوجوان در سینما، مسئله خانواده، هویت ملی و… پرداخت و تلاش بر این بود تا اهمیت تولیدات رسانه در شکل‌گیری هویت و ترویج ارزش‌های انقلاب و اسلام را خاطرشود.
فرزانه فصل دوم «سینما هویت» به تهیه کنندگی پیمان خزلی، به سرپرستی فرزانه کریمیان و مجری‌گری امید یویانفر و عرفان بیطرف، این روزها ساعت ۱۷ از شبکه امید پخش می‌شود.



### سعید مستغنی

دیگر پسران چگونگی تحمل نمایند؟! اینکه آیا پسران ۱۴-۱۵ ساله هم ظرفیت خشونت‌ورزی دارند یا خیر؟ اینکه مردان را در همراهی‌شان مختیر بگردانند یا خیر که ممکن است اصلاً نقض‌غرض شده و در صورت هم‌راهی همه مردان، همین جامعه در جای دیگری تشکیل شود!

درباره هیچ‌کدام از سوالات فوق پاسخ درستی ارئه نمی‌شود و کل ماجرا به‌گونه‌ای الکن و ناقص تا صحنه‌های پایانی پیش می‌رود. سفر آخر به صورت مخفیانه و خارج از دید مردان ظالم جامعه فوق، بی شباهت به نجات یافتن شبانه قوم یهود از



چنگال فرعون مصر نیست، خصوصاً که آخرین شعر و آوای که آن ۸ زن در انبار علوفه و قیل از رفتن به گرفتن دست‌های همدیگر می‌خوانند، گوئیی به

همین نجات اشاره داشته و نماهای پایانی فیلم که جماعت مهاجرین را در حال گذر از میان دست‌ها و غلظار نشان می‌دهد، به گونه‌ای است که گویا قوم یهود از میان دور نیل و امواج کشوده شده اش عبور می‌کنند. پیش از این مادر ماری‌کی از تجربه گذرش از جاده شمالی با دو اسب محبوبش گفته بود که گویا از میان دره‌های مختلف عبور می‌کرده است. همین مادر در توصیفش از رفتن می‌گوید که نشان از ایمان و اعتقادشان دارد و نه ترس و بردن.

به نظر می‌آید همه این داستان‌ها و حرف‌ها و درصدا نچیزی هم از قوت حتی یکی از فصل‌های فیلم «۱۲ خشمگین» را ندارد. تقریباً حدود ۹۰ دقیقه از ۱۰۴ دقیقه فیلم، به بحث‌های بی‌پایان ۸ زن یاد شده در آن انبار علوفه می‌گذرد که بسیاری از آنها تکراری و خسته‌کننده است؛ اینکه اگر آنجا اترک کنند چه مزایا و معایبی دارد و اگر بماند چه حسن‌ها و چه عیب‌هایی بر آن مترتب است؟ یا اینکه بچه‌های پسر را تا چندسالگی می‌توانند یا خود همراه کرده و با دوری برادرها و

بی‌تردید مهم‌ترین و بومی‌ترین زاثر سینمایی ما زائر دفاع مقدس است که هم با هویت و حیات اجتماعی مردم ما پیوند عمیقی دارد و هم در کارنامه سینمای ایران پربرابرترین گونه سینمایی محسوب می‌شود سینمای دفاع مقدس توانسته کمابیش آینه‌ای برای بازنمایی جنبه‌های مختلف آن روزگار و زمینه‌های فکری و روحیات چهادی و مصادیق عملی آن که از افتخارات ایران زمین در طول تاریخش به شمار می‌رود، محسوب شود.



محمدرضا محقق

**آینه‌ای در برابر مجاهدت‌های خاموش یک نسل مقاوم از بانوان**

**حضور پررنگ زنان**

**در بومی‌ترین زائر سینمای ایران**

اما در این گونه سینمایی زنان این سرزمین نقش پر رنگی دارند؛ در واقع می‌توان گفت کمتر فیلم مهم و قابل توجهی در این ژانر و در طول همه این سال‌ها چه در روزگار دفاع مقدس و چه در سال‌های پس از آن ساخته شده است که زنان نقش مهم و موثری در آن نداشته باشند. سینمای زنان در سینمای ایران خاصه در دوان دفاع مقدس ملهم از همه آن مؤلفه‌ها و عناصر و شاخصه‌هایی است که هویت و فطرت زن از آنها تشکیل شده است.

در واقع در این آثار ما زن را هم در جامعه مادرانگی و هم با هویت زنانگی و هم در هیبت دخترانگی مشاهده می‌کنیم که به نوعی تبدیل به نماد مقاومت و صبر و پشتونده‌ای برای حقیقت دفاع می‌شود.

**از کیسیا و سرزمین خورشید تا هیوا و شیدا**

در طول سال‌هایی که سینمای دفاع

دوران، به این نتیجه منتهی می‌شود و مابه‌ازای تصویری این تلقی هم در فیلم‌های آن زمان قابل مشاهده بود.

شاید بتوان فیلم «هایی» را یکی از اولین و آغازگر سینمای واقعی جنگ در آینه حضور زنان دانست؛ فیلمی که به تصویرگیری حضور رزمنده‌ای در فضای پشت جنگ و جهاد اصغر پرداخته و هم‌پوشانی او با خانه و امور خانوادگی پررسان می‌کند. داستان این فیلم بر می‌گردد در دفاع مقدس به نمایش می‌گذارد، در حوزه سینماورزی و در عناصری همچون روایت‌گری و شخصیت‌پردازی و درام‌پردازی چندان به موفقیت نائل نمی‌شود.

در طول تاریخ سینمای ایران در حیطه دفاع مقدس می‌توان آثار پرشمار دیگری را نیز نام برد که هر یک تلاش کردند به قدر وسع خویش در جهت انعکاس واقعیت‌ها و حقایق آزمانی هشت سال دفاع مقدس و دوران پس از آن تلاشی درخور و ماندگار به انجام رسانند.

## تصویر زن در سینمای مقاومت

«بر بال فرشتگان»، «نجات یافتگان»، «شیدا»، «هیور»، «لیلی با من است»، «کیسیا»، «سرزمین خورشید» و دهه‌اثر دیگر که تصویر زن ایرانی را در قامت امدادگر منطقه جنگی، دکتری که به میدان نبرد رفته است،پرستاری که تیماردار رزمندگان مجروح است و ده‌ها شخصیت داستانی دیگر

ایثار و از خود گذشتگی را برای تماشاگران سینمای ایران به ارمغان آورده‌اند. اما با این همه باید گفت حقیقت آن است که با همه این تلاش‌های قابل تقدیر، هنوز حتی‌اندکی از واقعیت‌های سترگ و شگرف نقش زنان منصفه ظهور بروزر هویت فیلمی که در دوران خودش بسیار بحث برانگیز بود و بسیار دیده شد و تأثیر قابل توجهی هم در میان مخاطبان اهالی سینما برجای گذاشت.

**از کیسیا و سرزمین مفقود الازر تا مردان جان بر کف**
امسا یکی دیگر از وجوه سینمایی حضور